

شیرِ خدا

بخوان و حفظ کن



علی آن شیرِ خدا، شاهِ عرب
شب ز اسرارِ علی آگاه است
شب شفته است مناجاتِ علی
کلماتی چو دُر آویزه‌ی گوش
فجر تا سینی آفاق، شکافت
ناشناسی که به تاریکی شب
عشق بازی که هم آغوشِ خطر
آن دمِ صبحِ قیامت تأثیر
دست در دامنِ مولا زد، در
شبروان، مستِ ولای تو علی

آفتی داشته بالین دلِ شب
دلِ شب، محرمِ سرِ الله است
جوشِ چشمی عشقِ ازلی
مسجدِ کوفه هنوزش مدهوش
چشمِ بیدارِ علی، خفته نیافت
می‌برد شامِ یتیمان عرب
خفت در خوابکه پیغمبر
حلقی در، شد از او دامن‌گیر
که علی بگذر و از ما مگذر
جانِ عالم به فدای تو علی

محمد حسین بهجت تبریزی

(شهریار)



۱ مفهوم بیت «فجر تا سینه‌ی آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت» چیست؟

۲ در بیت «دست در دامن مولا زد در که علی بگذر و از ما مگذر» واژه‌هایی که

مشخص شده است با چه آهنگی خوانده می‌شود؟



درس دوازدهم

«دوستی / مشاوره»

آموختنی‌ها

- ۱- آشنایی با نوندای از اثر کهن در قرن پنجم هجری قمری
- ۲- اهمیت مشورت در کارها
- ۳- دوستی و دوست‌یابی
- ۴- فعل امر در زبان کهن
- ۵- آشنایی با «نصرالعمالی کیلواوس» «خواجه نظام الملک توسی» و «شهریار» و آثار آن‌ها
- ۶- شناخت راهکارهایی جهت تقویت املا و درست نویسی



جعبه کلمات

کلمات مترادف

- | | |
|--|------------------------------|
| ولایت: محبت، دوستی، ولایت | ناگزیر: ناچار |
| شبروان: | حکیم: دانشمند، دانا |
| بگذر: | احسان: |
| مردمی: انسانیت | تازه دار: |
| خوابگاه: خوابگاه | همی طالب: |
| محرم: | همی دار: بدار |
| مناجات: | مشفق: |
| مدهوش: | قوی رأیی: توانایی فکر |
| آفاق: جمع افق، کرانه‌ی آسمان | ضعیف رأیی: سستی فکر و اندیشه |
| مگذر: عبور نکن | الفت: |
| دامن گیر شدن: کنایه از پناه آوردن و گرفتار شدن | سر الله: راز خداوند |
| قیامت تأثیر: چیزی که تأثیرش مثل قیامت است | ازلی: |
| سرد و گرم چشیدن: کنایه از تجربه داشتن | فجر: روشنی سپیده دم |



کلمات متضاد

قوی رأیی = ضعیف رأیی	مدهوش = هوشیار	خفته = بیدار
مشفق = نلمهربان	نیک = بد	بگذر = مگذر
نیازموده = آزموده	کهن = نو، جدید	

کلمات هم‌خانواده

حکیم، حاکم، حکم، محکوم، تحکیم	مهم، اهلیت، اهم
احسان، حُسن، محاسن، حسن، تحسین	ضعیف، ضعف، ضعیفا، مستضعف
طلب، طالب، مطلوب، مطالب، طالب	شغل، شاغل، مشغول، اشتغال
مشفق، شفیق، شفقت	مناجات، نجوا
مشاورت، مشاوره، شورا، مشورت	آویزه، آویزان، آویز، رخت‌آویز
متفق، توافق، اتفاق، موافقت	ولا، ولی، والی، ولایت
فضیلت، فاضل، فضل، فضائل، فضول	مدهوش، دهشت، بیهوش، هوش
معجزه، عاجز، عجز، معجزه	تألیف، مألوف، مؤلف

دوستی / مشاوره

مرد اگر بی‌برادر باشد به که بی‌دوست. به کار دوستان اندیشه کن. دوست همی طلب و دوستان کهن را بر جای همی دار. یا مردمانی که با تو به راه دوستی روند نیکویی و سازگاری کن. مشاورت در کارها از قوی‌رایی مردم باشد. هر کس را دانشی باشد. تدبیر با دانایان و جهان دیدگان باید کرد. تدبیر ده تنه چون زور ده مرده باشد. مشورت ناکردن در کارها، ضعیف‌رایی باشد و هیچ شغلی بی‌مشورت، نیکو نیاید.



شیر خدا

علی آن شیر خداه شاه عرب الفتی داشته با این دل شب
🎧 حضرت علی (ع) که در شجاعت مانند شیر بود و سرور اعراب بوده با نیمه‌های شب، دوستی و انس داشته است.
(شیر خدا صفت حضرت علی (ع) است.)

شب ز اسرار علی آگاه است دل شب، محرم سرالله است
🎧 شب از رازهای علی (ع) با خبر است و نیمه‌های شب محرم رازهای خداوندی است و علی (ع) شب‌ها با خداوند
مناجات می‌کردند.

شب شنفته است مناجات علی جوشش چشمه عشق ازلی
🎧 شب صدای راز و نیاز حضرت علی (ع) و عشق همگنی و بی‌انتهای الهی را که مثل چشمه‌ای در وجود ایشان جوشان
بود، شنیده است.

کلماتی چو در آویزه گوش مسجد کوفه هنوزش مدهوش
🎧 راز و نیازهای حضرت علی، مانند مرواریدی است که در گوش مسجد کوفه آویزان شده است و مسجد را از حال
برده است. (و مسجد کوفه هم مدهوش و حیران آن کلمات است.)

فجر تا سینه آفاق، شکافت چشم میدار علی، خفته نیافت
🎧 هر زمان که سپیده‌ی صبح سر زده است هیچ گاه چشم‌های حضرت علی (ع) را خوابیده ندیده است و حضرت
را مشغول راز و نیاز دیده است.

ناشناسی که به تاریکی شب می‌برد شام یتیمان عرب
🎧 آن فرد ناشناسی که در تاریکی شب برای کودکان یتیم عرب غذا می‌برد کسی جز حضرت علی (ع) نبوده است.
عشق بازی که هم آغوشِ خطر خفت در خوابگاه پیغمبر

🎧 آن انسان عاشقی که خطر را پذیرفت و به جای حضرت محمّد در بستر ایشان خوابیدند و پذیرای مرگ شدند (اشاره به زمانی
که مشرکان شبانه به خانه پیغمبر ریخته و می‌خواستند ایشان را بکشند ولی به جای پیغمبر حضرت علی (ع) را در بستر یافتند.)
آن دم صبح قیامت تاثیر حلقه‌ی درآ شد از او دامن گیر

🎧 در آن لظمی صبح اعجاب‌انگیز (که حضرت علی می‌خواستند برای نماز صبح به مسجد بروند) حتی دستگیره‌ی در هم
دست به دامن آن حضرت شد و مانع رفتن ایشان شدند. (لباس ایشان به دستگیره گیر کرد.)

فلاسی نشم دبستان



علوی

دست در دامن مولا زده در که علی بگذرد از ما گذرد

در دست به دامان مولا شد و گفت ای علی از رفتن صرف نظر کن و از من عبور نکن!

شبروان، مسمت ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی

ای علی! تمامی عارفان سرمست از دوستی با تو هستند و جان همدی جانیان به فدای تو باشد.

بخوان و بدان

آموخته‌ایم که فعل امر، درخواستی را بیان می‌کند. مانند: برو، بیا بید
دامر، یا به یک نفر است؛ یعنی «تو»؛ مثل: بنویس
و یا به چند نفر؛ یعنی «شما»؛ مثل: بخوانید
در زبان کهن، در ابتدای فعل امر، به جای «ب»، «همی» می‌آمده است.

مثال: همی گو ← بگو

املادان

«به» در موارد زیر پیوسته نوشته می‌شود:

(۱) هنگامی که بر سر فعل یا مصدر بیاید. مثال: بطلب، بدار، بگفتم

(۲) به صورت: بدین، بدان، بدیشان، بدینسان و ... به کار رود.

(۳) هر گاه صفت بسازد. مانند: بنام (مشهور)، بخرد، بهنجر و ...

ولی در سایر موارد جدا نوشته می‌شود؛ مانند: به نام خدا، به سختی، به منزل، به برادر، به آواز بلند و ...

الف: حرف «به» در کدامیک از کلمات زیر نباید وصل شود؟ (مشخص کن)

بگذر	پزشکی بنام	بنام خداوند بخشنده	بکار دوستان
	بدان، ای پسر	بخاطر تو	بطلب

ب: غلط‌های املائی به کار رفته در هر گزینه را درست کن.

(۱) دوستی ایشان به اهسان تازه دار.

(۲) مشورت ناکردن در کارها، ضعیف‌رایی باشد.

(۳) یکی را خواطر تیز تر باشد.

(۴) هکیمی را پرسیدند.

تمرین



۱ توضیحات قسمت راست را به گزینه‌ی مناسب در سمت چپ وصل کن. (یک مورد اضافی است.)

- | | | |
|---|--------------------------|---------------------|
| این کتاب، پنجاه فصل دارد. | <input type="checkbox"/> | قابوس‌نامه |
| معروف‌ترین اثر شهریار به زبان ترکی است. | <input type="checkbox"/> | عنصرالمعالي کیکاووس |
| نویسنده، این کتاب را برای فرزندش نوشته است. | <input type="checkbox"/> | شهریار |
| به فارسی و ترکی شعر می‌سرود. | <input type="checkbox"/> | سیاست‌نامه |
| | <input type="checkbox"/> | حیدریابا |

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

- الف: عبارت «برادر نیز، دوست به، جایگاه دوست را بالاتر از برادر دانسته است.»
- ب: «سرد و گرم چشیده»؛ یعنی با صوفیّت از سخنی‌ها عبور کرده است.
- پ: مفهوم ضرب‌المثل «تا پول داری رفیقتم»، همانند مصراع «ولی چگونه مگس از پی شکر نرود» است.
- ۳ مفرد واژه‌های زیر را بنویس.

<input type="text"/>	<input type="checkbox"/>	اسرار	<input type="checkbox"/>	<input type="text"/>	<input type="checkbox"/>	آفاق
----------------------	--------------------------	-------	--------------------------	----------------------	--------------------------	------

۴ با توجه به شعر «شیر خدا، جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کن.

- الف: عشق بازی که خطر
ب: دل شب، سرّالله است
پ: داشته با این دل شب
ت: کلماتی چو دُر گوش

۵ ابیات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردان.

الف: گفت: برادر نیز، دوست به.

ب: شبروان مست ولای تو علی / جان عالم به فدای تو علی




پ: آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه‌ی در شد از او دامن گیر

ت: مشاورت کردن در کارها از قوی‌رایی مردم باشد و از تمام عقلی

۶ در جمله‌ی زیر، اجزای تشبیه را مشخص کن.

تدبیر ده تنه چون زور ده مرده باشد.



وجه تشبیه

مشبه

ادوات تشبیه

مشبه به

۷ در متن زیر، واژه‌های غیر ساده را پیدا کن.

«با مردمانی که با تو به راه دوستی روند و نیم‌دوست باشند نیکویی و سازگاری کن و در هر نیک و بد به ایشان، مشفق باش.»

۸ با توجه به سوالات داده شده پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: در کدام گزینه، فعل امر به کار نرفته است؟

- (۱) بدان ای پسر که مردمان تا زنده‌اند از دوستان ناگزیرند.
- (۲) دوستان کهن را بر جای همی دار.
- (۳) پس به کار دوستان اندیشه کن.
- (۴) تدبیر با دانایان و جهان‌دیدگان باید کرد.

ب: عبارت زیر، چند جمله است؟

«مرد اگر بی‌برادر باشد به که بی‌دوست.»

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

پ: کدام ترکیب با بقیه فرق دارد؟

- (۱) سینه‌ی آفاق
- (۲) چشم بیدار
- (۳) حلقه‌ی در
- (۴) هم آغوش خطر

ت: معنی کدام واژه نادرست است؟

- (۱) مشفق: مهربان
- (۲) محرم: رازدار
- (۳) ازلی: آخری
- (۴) فجر: روشنی سپیده‌دم

خوانش و پردازش



حکایت زیر را خوانده و به سوالات مربوط به آن پاسخ بده.

۹



بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد. پسر را گفت: نباید که این سخن با کسی در میان نبی. گفت: «ای پسر! فرمان تو راست» نگویم ولی خواهیم مرا بسر فایده‌ی این مطلع گردانسی.» پدر گفت: «تا مصیبت دو نشود، یکی خسارت سرمایه و دیگر سرزنش همسایه.»

«گلستان سده‌ی باب چهارم با اندکی تغییر»

الف: چه اتفاقی برای بازرگان افتاده بود؟

.....

ب: بازرگان، پسر را از چه کاری منع کرد؟

.....

پ: چرا بازرگان نمی‌خواست کسی از خسارت دیدن او آگاه شود؟

.....

ت: شخصیت بازرگان را توصیف کن.

.....

فلاسی نشیم دبستان

